رابطه بین سطح هوش اخلاقی و سبک‌های تدریس اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی

حسن اسلامیان[۱]، **یحیی زارع**[۲]

[۱] گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

کد ارکید: 0000-0002-1069-1947

[۲] مرکز خدمات روان شناسی و مشاوره، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

مجله راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی، دوره ششم شماره دوم پاییز و زمستان ۹۸ صفحات ۱۰-۲۴.

چکیده

مقدمه و هدف: اعضای هیئت علمی دانشگاه، علاوه بر توانایی کاربست مهارت های تکنیکی و فنی تدریس، لازم است از هوش اخلاقی مناسبی نیز برخوردار باشند. این مطالعه با هدف تعیین رابطه سطح هوش اخلاقی و سبکهای تدریس اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی، انجام گردید.

روش ها: روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بوده که از بین آنها ۱۹۱ نفر به عنوان نمونه آماری تعیین شدند. جهت جمع آوری داده ها از دو پرسشنامه سبک‌های تدریس Grasha و Richman (Teaching Style Inventory- TSI) و هوش اخلاقی Lennick و Kiel (Intelligence Moral Questionnaire) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها از طریق نرم افزار SPSS 20 و با استفاده از شاخص های آماری فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون، انجام شد.

یافته ها: اهم یافته های پژوهش حاکی از آن بود که بین هوش اخلاقی و سبک‌های تدریس اعضای هیئت علمی، بیشترین رابطه وجود دارد ($r=۰/۷۸$) که در سطح $P< ۰/۰۵$ معنادار است. دیگر یافته پژوهش نشان داد هوش اخلاقی استادان با ضریب معناداری قدرت پیش بینی سبکهای تدریس آنها را دارد ($P<.۰/۰۰۰، B=۰/۸۲$). همچنین نتایج نشان داد متغیر هوش اخلاقی می تواند ۵۵ درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی سبک‌های تدریس را پیش‌بینی کند ($R2 = ۰/۵۵$).

نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان دهنده نقش کلی سطح هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی در کاربست سبک‌های مختلف تدریس توسط آنها بوده است.

کلیدواژه‌ها: اعضای هیئت علمی، دانشگاه علوم پزشکی، سبک تدریس هوش اخلاقی

نویسنده مسؤول:
حسن اسلامیان، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
کد ارکید:
0000-0002-1069-1947

پست الکترونیکی:
Eslamian.1362@yahoo.com

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۵ اصلاح نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵ پذیرش مقاله:۱۳۹۷/۰۵/۰۸

ارجاع: اسلامیان حسن، زارع یحیی. مطالعه رابطه بین سطح هوش اخلاقی و سبک‌های تدریس اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی. راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی.۱۳۹۸؛۶(۲):۱۰-۲۴.

مقدمه

در متون علمی، هوش به عنوان یک مفهوم عمومی جهان شمول که با توانایی ادراکی ارتباط دارد، تعریف شده است(۱). این مفهوم، عموماً به توانایی یادگیری و تفکر مرتبط بوده و غالباً برای توصیف به کارگیری مهارت ها و وقایع به کار رفته است (۲و۳). اخیراً در حوزه هوش ابعاد نوینی شناخته

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

شده است. یکی از مهمترین ابعاد هوش که در حوزه پژوهش جدید بوده و در ایران نیز چندان بدان پرداخته نشده است، هوش اخلاقی(Moral intelligence) است که با ارزش‌ها و اصول اخلاقی مرتبط است(٤). در زمینه ارتباط هوش و اخلاق، اگر هوش را ظرفیت سازگاری با موقعیت جدید قلمداد کنیم، اخلاق ظرفیت سازماندهی ارزشی به آن موقعیت خواهد بود. مفاهیم اخلاقی، توصیف کننده اعتقادات و ارزش‌های هدایتگر افراد در تصمیم گیری‌هایشان است، از این رو هوش اخلاقی می‌تواند گستره و ژرفای توانمندی‌های فکری و اخلاقی را در همه مراحل و ابعاد زندگی نمایان سازد(٥). هوش اخلاقی، نه تنها چارچوبی قوی و قابل دفاع برای فعالیت انسان‌ها فراهم می‌کند، بلکه کاربردهای فراوانی در دنیای حقیقی دارد. در واقع، این هوش تمام انواع دیگر هوش انسان را در جهت انجام کارهای ارزشمند هدایت می کند(١).

هوش اخلاقی دارای ابعاد متفاوتی است. Kiel & Lennick معتقدند که هوش اخلاقی در برگیرنده چهار بعد اصلی شامل درستکاری، مسئولیت پذیری، بخشش و دلسوزی و دارای ده بعد زیر مجموعه شایستگی(شامل انسجام، صداقت، شجاعت، رازداری، انجام تعهدات فردی/ مسئولیت‌پذیری (پاسخگویی) در برابر تصمیمات شخصی، خود کنترلی و خود محدود سازی، کمک به دیگران (قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران)، مراقبت از دیگران (مهربانی)، درک احساسات دیگران(بشر دوستی و رفتار شهروندی) و درک نیازهای روحی خود (ایمان، اعتقاد و تواضع) است. آنها بر اساس این مدل خود، پرسشنامه ای نیز برای تعیین سطح هوش اخلاقی و ابعاد زیر مجموعه آن در افراد تدوین کردند (٥).

بوربا (٢٠٠٥) هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آنها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می کند. از نظر وی هوش اخلاقی دارای چهار مؤلفه یا بعد است که لازم است افراد برای موفقیت مداوم سازمانی و شخصی برخوردار باشند:

الف)درستکاری: یعنی ایجاد هماهنگی بین آنچه که به آن معتقدیم و آنچه که به آن عمل می کنیم. انجام آنچه که می‌دانیم درست است و گفتن حرف راست در تمام زمان ها.

ب) مسئولیت پذیری: کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، مسئولیت اعمال خود و پیامدهای آن اعمال، همچنین اشتباهات و شکست‌های خود را نیز می‌پذیرد.

ج)دلسوزی: توجه به دیگران که دارای تأثیر متقابل است. یعنی اگر نسبت به دیگران مهربان و دلسوز باشیم، آنان نیز موقع نیاز با ما همدردی خواهند کرد.

د)بخشش: آگاهی از عیوب و اشتباهات خود و دیگران و بخشیدن خود و دیگران(٦). بنابراین انتظار می‌رود افراد باهوش اخلاقی بالا کارها را درست انجام داده، اعمال آن ها پیوسته با ارزش‌ها و عقایدشان هماهنگ بوده، عملکرد بالایی داشته و همیشه کارها را با اصول اخلاقی پیوند دهند. به همین علت که یافته‌های پژوهشی هوش اخلاقی را به عنوان عامل اجتماعی سازی تعریف کرده‌اند(٧).

در مجموع یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران را در محافل علمی به

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

خود معطوف داشته است، هوش اخلاقی است که وجود آن را افزون بر هوش شناختی، برای موفقیت در کار و هدایت زندگی شخصی موثر دانسته اند و اثرگذاری آن بر فعالیت ها و عملکرد انسان به تازگی مورد علاقه پژوهشگران قرار گرفته است، اما یکی از حوزه‌های بسیار مهم که کمتر به آن پرداخته شده است، بررسی رابطه هوش اخلاقی و متغیرهای مرتبط با نظام های آموزشی از جمله تدریس است. از طرفی از میان مجموعه فعالیت‌های مرتبط با تربیت نیروی انسانی در دانشگاه‌ها، مقوله آموزش و تدریس از اهمیت زیادی برخوردار است، به طوری که بخش عمده ای از مطالعات به مسائل مرتبط با حوزه آموزش در دانشگاه و بررسی عملکرد تدریس اساتید معطوف گردید (۸) و اساساً توسعه نظام های آموزش عالی، بدون توجه به شایستگی‌های حرفه‌ای مدرسان در زمینه تدریس، امکان پذیر نیست(۹). با نظر به اهمیت امر تدریس در دانشگاه، توجه به سبک تدریس اعضای هیئت علمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا آگاهی از سبک‌های تدریس، تطابق سبک‌های تدریس با سبک‌های یادگیری فراگیران و تنوع به کارگیری آن، در میزان یادگیری و رضایت مندی فراگیران تأثیر به سزایی دارد و پویایی سبک تدریس و یادگیری، پشتیبان رضایت مندی فراگیران است(۱۰). بسیاری از افراد معتقدند که نوع سبک های تدریس و چگونگی استفاده از آنها در فرایند یاددهی- یادگیری، نقش بسیار مهمی در کیفیت و اثربخشی تدریس دارند(۱۱).

سبک تدریس بیانگر خصوصیات شخصی و رفتاری غالب و بادوام مدرس است که در ضمن رهبری و مدیریت کلاس خود را آشکار می‌سازند (۱۰). در واقع سبک تدریس یا سبک آموزش، روشی شناخته شده است که مدرس با آن وظایف یادگیری را مشخص و فرایند تدریس را هدایت می کند و می‌تواند به عنوان رجحان و تمایل به سمت رفتاری که منجر به یادگیری می شود و متاثر از ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و پیشینه فرهنگی و اجتماعی مدرسان است در نظر گرفته شود، به عبارت دیگر مفهوم سبک، مرتبط با روش ترجیحی شخصی است که توانایی های خود را بکار می برد و به آن شیوه عمل می کند(۱۲).

در مجموع سبک‌های تدریس گوناگون و متعددی وجود دارد که اساتید می توانند در فرآیند یاددهی- یادگیری استفاده نمایند، اما استادان باید با توجه به موضوع درس، فراگیران و شرایط محیط یادگیری، مناسب ترین سبک تدریس را انتخاب نمایند(۱۳).

طبقه بندی‌های مختلفی از انواع سبک‌های تدریس تدریس توسط صاحب نظران ارائه شده است که مهم ترین آنها عبارتند:

سبک‌های تدریس دانش‌آموز محور و موضوع محور (١٤)، سبک‌های تدریس رسمی و غیر رسمی (١٥)، سبک‌های تدریس اکتشافی و توضیحی (١٦)، سبک‌های تدریس دانش‌آموز محوری، یادگیری محور و موضوع محوری(۱۷)، سبک‌های تدریس تسهیل کننده، همیار، پیشنهاددهنده و صاحب اختیار (۱۸)، سبک‌های تدریس دانش آموز محور و انتقال‌گرا(۱۹)، سبک‌های تدریس مواجهه تکلیف متناسب با وضعیت فراگیر، جستجو و انتقال(۲۰)، سبک‌های تدریس فعال و غیر فعال(۲۱)، سبک‌های تدریس اقتدار رسمی، نمایشی، تسهیل‌کننده و اختیار (۲۲)، سبک‌های تدریس مولد، همانند سازی،

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

اکتشافی و مقتدر(۲۳) و سبکهای تدریس تحلیلی محض یا سنتی، انعطاف‌پذیر و کل گرا یا فراگیر محور(۲٤).

پژوهش حاضر بر اساس سبک‌های تدریس Grasha و Richman انجام شده است، به زعم Grasha و Richman پنج سبک تدریس در اساتید آموزش عالی مشاهده می شود که بدین شرح می باشد:

- **سبک تدریس خبره، متخصص یا کارشناس (Expert)**: این اساتید دارای آگاهی و تجربه‌ای هستند که دانشجویان به آن نیاز دارند. تلاش او برای حفظ موقعیتش به عنوان یک متخصص، ارائه دانش و ارتقاء کفایت علمی دانشجویان از طریق رقابت بین آنها می‌باشد. او علاقه مند به انتقال اطلاعات و اطمینان از آمادگی کامل دانشجویان می‌باشد. محدودیت این سبک آن است که اگر بیش از اندازه استفاده شود دانش استاد می تواند تهدیدی برای دانشجویان کم تجربه باشد.

- **سبک تدریس‌آمرانه (formal Authority)**: این اساتید در بین دانشجویان به سبب دانش و نقش او به عنوان یک عضو هیئت علمی، از محبوبیت مطلوبی برخوردارند. توجه ایشان به بازخورد منفی و مثبت رفتار، دستیابی به اهداف و رعایت قوانین توسط دانشجویان می باشد. ایشان راه‌های استاندارد، قابل قبول و درست را برای انجام امور پیشنهاد می‌کند و به راه‌های قابل قبول و انتظارات روشن در اموری که باید انجام شود، تاکید دارد. این سبک به طور استاندارد غیر قابل انعطاف و سر سخت است و برای دانشجویان ایجاد انگیزش نمی‌کند.

- **سبک تدریس فردی (personal model)**: مدرسانی که از این سبک تدریس استفاده می کنند معتقد به مثال‌های شخصی و ارائه یک مدل نمونه، برای چگونه فکر کردن و عمل کردن دانشجویان می باشد. روی هم رفته، راهنمایی‌ها و سبک مهارت مستقیم را در انجام امور نشان می‌دهد و دانشجویان را به مشاهده و سپس رقابت تشویق می کند. در این سبک تاکید بر نظارت مستقیم و مستمر است و این اساتید بر این باورند که روش تدریس آنها بهترین راه برای راهنمایی دانشجویان است در صورتی که اگر آنها به آن استانداردها و توقعات مورد نظرشان نرسند احساس بی‌کفایتی خواهند نمود.

- **سبک تدریس تسهیل کننده(facilitator)**: این سبک بر مبنای تاکید بر تعاملات دانشجو و استاد است. دانشجویان را از طریق پرسیدن سوال، بیان عقاید، پیشنهاد منطقی و تشویق آنها به توسعه بصیرت و انتخاب ارزیابی می شوند. روی هم رفته به توسعه ظرفیت دانشجو برای سبک استقلال در عمل و مسولیت اشاره دارد. استاد با دانشجو به صورت مشاوره‌ای کار می کند و او را راهنمایی و دلگرم می‌نماید. انعطاف‌پذیری شخصی، تاکید بر نیازها و اهداف دانشجویان و جلب رضایت، از مزایای این سبک می باشد.

- **سبک تدریس وکالتی یا محول کننده (Delegator)**: این اساتید علاقمند به توسعه ظرفیت دانشجویان در انجام امور به طور مستقل می باشند. دانشجویان به طور مستقیم بروی پروژه ها کار می‌کنند و استاد به عنوان شخص مطلع و کاردان در مواقع لازم در دسترس می‌باشد. مشارکت دانشجویان برای پیشرفت حرفه‌ای و ایجاد اعتماد و اطمینان باعث اعتماد دو طرف می شود (گراشا، ۱۹۹٦).

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

علاوه بر اهمیت و نقش سبک تدریس استادان در راستای آموزش و انتقال دانش و مهارت در سطح پیشرفته و حرفه‌ای، وظایف دیگری که دارای ارزش اجتماعی هستند نیز جزء وظایف دانشگاه ذکر شده است. انتقال و ترویج ارزش های اخلاقی و فرهنگی، شکوفا کردن توانایی های فردی و اجتماعی و کمک به رشد شخصیتی، عاطفی، رفتاری و فکری را می‌توان از جمله سایر وظایف مهم دانشگاه‌ها دانست (۲۵). در واقع هر یک از استادان دانشگاه علاوه بر اینکه در فرایند تدریس از سبک‌های تدریس خاص خودشان استفاده می‌کنند، دارای باورها و ارزش‌های اخلاقی متفاوتی نیز هستند(۲۶).

با عنایت به اینکه در جامعه ما مبانی ارزشی و اخلاقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و تربیت نیروی انسانی اخلاق مدار نیز از اهم اهداف برنامه‌ریزی آموزش عالی می باشد، فرآیند انتقال اخلاق و ارزش های اخلاقی در کنار آموزش علم و دانش به دانشجویان، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

با توجه به اینکه انتظار می رود انسان‌های فرهیخته جامعه از دانشگاه برخاسته و در بطن دانشگاه پرورش یابد و با نظر به اینکه از دیدگاه صاحبنظران و محققان، اساتید دانشگاه تأثیر شدیدی بر توسعه ذهنی و اخلاقی دانشجویان دارند، لازم است استادان دانشگاه علاوه بر برخورداری از مهارت‌های تکنیکی و فنی تدریس از سطح هوش اخلاقی مناسبی نیز برخوردار باشند(۱۳).

اساتید از طریق هدایت فرایندهای آموزش و یادگیری، انگیزش دانشجویان، شکل دهی به تفکر و نیز مسؤولیت پذیر و پاسخگو کردن آن ها در مقابل جامعه نقشی بی‌بدیل را به عهده دارند. این نقش چنان گسترده است که نمی توان به درستی انتظارات از آن را مشخص کرد. به همین دلیل است که غالب انسان ها همیشه از یک معلم یا استاد خوب به عنوان عامل موفقیت خود در طول زندگی یاد می‌کنند. مطالعات بسیاری نشان داده است که تعاملات دانشجویان در محیط آموزشی و به خصوص تعامل آنها با اساتید می تواند تأثیر فوق العاده بر یادگیری، توسعه اخلاقی و دستاوردهای آموزشی و اجتماعی آنها داشته باشد(۲۷).

مروری بر پیشینه نظری مرتبط با مباحث هوش اخلاقی و سبک‌های تدریس، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش‌های متعدد در این زمینه‌ها را به وضوح نشان می‌دهد. پژوهش در خصوص بررسی رابطه بین سبک‌های تدریس استادان و سطح هوش اخلاقی آنان، علاوه بر این که تصویری نسبتاً جامع از وضعیت سبک‌های تدریس و تعیین سطح هوش اخلاقی استادان دانشگاه ارائه می‌دهد، به بررسی رابطه بین دو عنصر بسیار مهم سبک تدریس و هوش اخلاقی نیز می‌پردازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های هوش اخلاقی استادان دانشگاه علوم پزشکی مازندران، گامی در این راستا می باشد.

سئوالات پژوهش

۱- اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی، از کدام سبک های تدریس استفاده می کنند و سطح هوش اخلاقی آنان چگونه است؟

۲- آیا بین هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و هر یک از مولفه‌های

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

چهارگانه آن با سبک های تدریس آنان، همبستگی معنی داری وجود دارد؟

۳- آیا هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی و مؤلفه‌های آن، قابلیت پیش‌بینی سبک‌های تدریس آنها را دارد؟

روش ها

پژوهش حاضر، از حیث هدف، کاربردی و از جهت روش، توصیفی- همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران بوده در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ مشغول به تدریس بودند(۳۹۰نفر) که مطابق با جدول حجم نمونه کرجسی و مورگان، ۱۹۱ نفر به عنوان نمونه آماری پژوهش تعیین شدند. برای نمونه گیری از روش تصادفی ساده استفاده شد، به این ترتیب که استادان بر اساس نام و نام خانوادگی به ترتیب حروف الفبا، شماره گذاری شده و سپس از طریق جدول اعداد تصادفی، نمونه ای از استادان به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند.

در پژوهش حاضر از دو ابزار اصلی به شرح زیر استفاده شده است:

۱- پرسشنامه سبک های تدریس Richman & Grasha (Teaching Style Inventory- TSI): پرسشنامه سبک‌های تدریس‌گراشا حاوی ٤٠ سئوال و در ٥ بخش شامل سئوالات سبک خبره(۸سئوال)، سبک آمرانه(۸سئوال)، سبک مدل فردی (۸سئوال)، سبک تسهیل کننده (۸سوئال)، سبک وکالتی (۸سئوال) و با طیف لیکرت ٥ درجه ای از بسیار موافقم تا بسیار مخالفم می باشد. روش نمره گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ٥ درجه ای (از بسیار موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و بسیار مخالفم) و ارزش هریک از گزینه‌ها به ترتیب ۱و۲و۳و٤و٥ در نظر گرفته شده است که دامنه نمرات اساتید در هر سبک از ۸ تا ٤٠، در نظر گرفته شد و برای تعیین سبک تدریس غالب اساتید، بالاترین نمره کسب شده در بین سبک های ٥ گانه ملاک قرار گرفت. پایایی این پرسشنامه از طریق روش باز آزمایی روی۳۰ نفر نمونه تصادفی از جامعهٔ اصلی (به غیر از افرادی که در پژوهش شرکت داده شدند) بررسی شد، که همبستگی بسیار بالایی (r=۰/۸٦) به دست آمد.

۲- پرسشنامه هوش اخلاقی(Intelligence Moral Questionnaire): این پرسشنامه استاندارد شده توسط Lennick & Kiel تهیه گردید. دارای یک بخش مشخصات دموگرافیک شامل سن، جنس، مدرک تحصیلی، سابقه ی خدمت، و بخش سئوالات مرتبط با هوش اخلاقی می باشد. این پرسشنامه مشتمل بر٤٠ سؤال است که به بررسی وضعیت ابعاد زیرمجموعه شایستگی‌های هوش اخلاقی اختصاص دارند. این سؤالات به صورت مساوی بین۱۰ بعد زیر مجموعه هوش اخلاقی شامل انسجام، صداقت، شجاعت، رازداری، انجام تعهدات فردی/مسؤولیت پذیری پاسخگویی در برابر تصمیمات شخصی، خودکنترلی و خود محدودسازی، کمک به دیگران (قبول مسؤولیت برای خدمت به دیگران)، مراقبت از دیگران(مهربانی)، درک احساسات دیگران(بشر دوستی و رفتار شهروندی) و درک نیازهای روحی خود (ایمان، اعتقاد و تواضع) تقسیم شده و هر شایستگی دارای ٤ سؤال می باشد. هم چنین، این۱۰ شایستگی به ٤ دسته کلی

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

تحت عنوان ابعاد کلی هوش اخلاقی شامل درستکاری (دارای ٤ بعد زیر مجموعه (مسؤولیت‌پذیری) دارای ۳ بعد زیر مجموعه (بخشش) دارای ۲ بعد زیر مجموعه و دلسوزی دارای یک بعد زیر مجموعه تقسیم می‌شوند. پاسخ دهندگان، به هر پرسش بر روی طیف ٥ گزینه ای هرگز تا همیشه پاسخ داده‌اند که به ترتیب به این گزینه‌ها امتیاز۱ تا ٥ تعلق می‌گیرد. این روش امتیازدهی توسط طراحان پرسشنامه پیشنهاد شده است. محققان در این پژوهش از نسخه انگلیسی پرسشنامه استفاده کرده و به منظور اطمینان از صحت ترجمه، ابتدا نسخه اصلی توسط یکی از محققان به فارسی برگردانده شده و سپس مجدداً توسط متخصص ادبیات انگلیسی به انگلیسی ترجمه شده و با نسخه اصلی مورد مقایسه قرار گرفت. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، پایایی پرسشنامه ترجمه شده با انجام آزمون - باز آزمون در یک نمونه ۲۰ نفره از جامعه ی پژوهش تایید شد.

روش اجرای پژوهش: در پژوهش حاضر تعداد ۱۹۱ نفر از استادان دانشگاه علوم پزشکی مازندران به روش تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب گردیدند. به این ترتیب که پس از دریافت معرفی نامه از معاونت آموزشی دانشگاه و با دریافت فهرست تعداد و اسامی استادان و شماره‌گذاری براساس نام و نام خانوادگی و به ترتیب حروف الفبا، از طریق جدول اعداد تصادفی، نمونه ای از استادان به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب و در مطالعه شرکت داده شدند، سپس با مراجعه به دفاتر کاری و بعضاً کلاس های تدریس استادان، پس از توضیح دادن مختصر موضوع و اهداف پژوهش به استادان و پس از کسب موافقت و رضایت کامل آنها، پرسشنامه ها را در اختیار آنها قرار داده و از آنها خواسته می شد که به دو پرسشنامه هوش هیجانی و تدریس اثربخش پاسخ دهند. سپس در روزها و هفته‌های بعدی با پیگیری‌های فراوان، پرسشنامه ها توسط پژوهشگر جمع‌آوری گردید، در صورتی که افراد تا پیگیری‌های بعدی موفق به پاسخ گویی نمی شدند با گفتگوی پژوهشگر و استادان، زمان دیگری برای دریافت پرسشنامه ها تعیین می شد و پژوهشگر مجدداً در زمان مورد نظر به استادان مراجعه می‌نمود و پرسشنامه‌های پاسخ داده شده توسط استادان را دریافت و جمع آوری می‌نمود. پس از جمع آوری پرسشنامه ها تجزیه و تحلیل آماری انجام شد.

برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS 20 از شاخص‌های آماری فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته ها

از مجموع۱۹۱ نفر از اعضای هیئت علمی که پرسشنامه‌های هوش اخلاقی و سبک های تدریس بین آنها توزیع شد، تعداد۱٦۹ نفر (۸۸/٤۸ درصد)به پرسشنامه ها پاسخ دادند و پرسشنامه های ۲۲ نفر (۱۱/٥۱ درصد) به دلیل عدم وصول و نقص در اطلاعات حذف گردید. داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد از مجموع ۱٦۹ نفراز اعضای هیئت علمی که در پژوهش حاضر شرکت کردند و به پرسشنامه ها

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

پاسخ دادند، به تفکیک جنسیت ۵۷ نفر(۳۳/۷۲درصد) زن و ۱۱۲ نفر(٦٦/۲۸ درصد) مرد بودند. بر اساس مرتبه علمی۸۲ نفر مربی(٤۸/۵۲درصد)، ٦۲ نفر استادیار (۳٦/٦۸درصد)، ۱۸ نفر دانشیار (۱۰/٦۵ درصد) و ۷نفر استاد (٤/۱۵درصد) بودند. همچنین بر اساس سن ۵٦ نفر (۳۳/۱٤درصد) در دامنه سنی ۳۵ تا٤۰ سال،٦۰ نفر در دامنه سنی ٤۰ تا ٤۵ سال(۳۵/۵۱درصد)، ۳۹ نفر در دامن سنی ٤۵ تا ۵۰ (۲۳/۰٦ درصد) و ۱٤ نفر (۸/۲۹ درصد) در دامنه سنی ۵۰ تا ۵۵ سال بوده اند.

سئوال اول پژوهش: اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی، از کدام سبک های تدریس استفاده می‌کنند و سطح هوش اخلاقی آنان چگونه است؟

در خصوص استفاده از سبکهای تدریس توسط اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، داده های جدول ۲ نشان می دهد که سبک های تدرس غالب اعضای هیئت علمی به ترتیب سبک های تدریس خبره، وکالتی،تسهیل کننده، آمرانه و فردی بوده است. بدین ترتیب که از بین ۱٦۹ نفر از اعضای هیئت علمی که در پژوهش حاضر شرکت کردند تعداد ۵۷ نفر(۳۳/۷۳ درصد) از سبک تدریس خبره، ٤۲نفر(۲٤/۸۵ درصد) سبک تدریس وکالتی، ۳٤ نفر(۲۰/۱۱ درصد) سبک تدریس تسهیل کننده، ۲۳ نفر(۱۳/٦۱ درصد) سبک تدریس آمرانه و ۱۳ نفر(۷/۷۰ درصد) از سبک تدریس فردی استفاده می کنند.

یافته های پژوهش(جدول۳) میانگین و انحراف معیار را در متغیر سبک‌های تدریس و ابعاد هوش اخلاقی را نشان می‌دهد. نتایج توصیفی این جدول حاکی از آن است که هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی به ترتیب در ابعاد رازداری، خدمت، درک نیازهای روحی خود، انسجام در گفتار و کردار، مهربانی، صداقت، شجاعت، انجام تعهدات فردی، درک احساسات دیگران و خودکنترلی و محدودسازی، دارای بیشترین تا کمترین میانگین نمره بوده‌اند. میانگین نمرات استادان در ابعاد ده گانه هوش اخلاقی نشان داد که در بعد رازداری با میانگین و انحراف معیار۷/۷٤±۸٤/۵۰، بالاترین نمره و در بعد خودکنترلی و خودمحدودسازی با میانگین و انحراف معیار ٦/۰۸±۷۰/٦٤، پایین ترین نمره را کسب کردند.

سئوال دوم پژوهش: آیا بین هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی و هر یک از مولفه‌های چهارگانه آن با سبک های تدریس آنان، همبستگی معنی‌داری وجود دارد؟

همان گونه که در جدول ٤ مشاهده می شود با توجه به میزان همبستگی های بدست آمده، بین متغیر هوش هیجانی با سبک‌های تدریس اعضای هیئت علمی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (r=۰۷۸؛ P<۰/۰۵). همچنین بین سبکهای تدریس با متغیر سن رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشت. مقدار این همبستگی ۰/۲۷ بود که در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار نشان داده شد. اما بین سبک‌های تدریس با مؤلفه مرتبه علمی و جنس که ضریب همبستگی آنها به ترتیب (r=۰/۱۵) و (r=۰/۱۳) بود، رابطه معنی‌داری وجود نداشت.

سئوال سوم پژوهش: آیا هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی و مؤلفه‌های آن، قابلیت پیش‌بینی سبک‌های تدریس آنها را دارد؟

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

در راستای پاسخ به سئوال فوق، نتایج اجرای رگرسیون نشان داد ضریب پیش بینی متغیرهای سن (B=۰/۱٦، P<. 0/004)، جنس (B=۰/۱٤، P<.۰/۱٦٦) و مرتبه علمی(B=۰/19، P<.۰/180) بوده که در این میان متغیر سن، ضریب رگرسیون معنی داری را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد متغیر سن می‌تواند ۱٦درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی سبکهای تدریس را تبیین کند(R2 =۰/۱٦). اما ضریب پیش بینی متغیرهای جنسیت و مرتبه علمی برای سبک‌های تدریس، معنادار نبوده است. همچنین رگرسیون هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی با ضریب معناداری قدرت پیش بینی سبکهای تدریس استادان را نشان می‌دهد (B=۰/۸۲، P<.۰/۰۰۰).

نتایج حاکی از آن بود که متغیر هوش اخلاقی می‌تواند ۵۵ درصد از تغییرات متغیر ملاک یعنی سبک‌های تدریس را تبیین کند(R2 =۰/۵۵). در مجموع با توجه به این که نتایج پژوهش حاضر نشان دهنده نقش کلی هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی در به کارگیری سبک‌های مختلف تدریس توسط آنها می‌باشد و حتی با کنترل متغیرهایی همچون سن، تحصیلات و جنسیت، قدرت پیش بینی کنندگی سبکهای تدریس اعضای هیئت علمی را در سطح بالایی دارا می‌باشد، لذا پاسخ سئوالات دوم و سوم پژوهش مثبت می‌باشد.

جدول۱. اطلاعات دموگرافیک نمونه آماری پژوهش

متغیرها		تعداد	درصد
جنسیت	زن	۵۷	۳۳/۷۲
	مرد	۱۱۲	٦٦/۲۸
مرتبه علمی	مربی	۸۲	٤۸/۵۲
	استادیار	٦۲	۳٦/٦۸
	دانشیار	۱۸	۱۰/٦۵
	استاد	۷	٤/۱۵
سن	۳۵تا٤۰ سال	۵٦	۳۳/۱٤
	٤۰تا٤۵ سال	٦۰	۳۵/۵۱
	٤۵تا۵۰ سال	۳۹	۲۳/۰٦
	۵۰تا۵۵ سال	۱٤	۸/۲۹

جدول ۲. وضعیت توزیع سبک‌های تدریس غالب اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران

سبکهای تدریس	تعداد	درصد
سبک خبره	۵۷	۳۳/۷۳
سبک آمرانه	۲۳	۱۳/٦۱
سبک فردی	۱۳	۷/۷۰
سبک تسهیل کننده	۳٤	۲۰/۱۱
سبک وکالتی	٤۲	۲٤/۸۵

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

جدول۳. میانگین و انحراف معیار نمرات اعضای هیئت علمی در سبک های تدریس و ابعاد هوش اخلاقی

متغیرها	ابعاد	میانگین و انحراف معیار	دامنه(حداقل و حداکثر) نمره
سبک های تدریس	سبک خبره	۳۱/۵۰±٤/۲٤	٤۰-۸
	سبک آمرانه	۱۹/۲۰±٦/۳۲	۳٦-۸
	سبک فردی	۱٤/٦٥±۳/۱۱	۳۰-۹
	سبک تسهیل کننده	۲٤/۵۰±۲/۰۸	۲۸-۱۰
	سبک وکالتی	۲۷/۷۰±۳/۷٤	۳۱-۱۲
هوش اخلاقی	انسجام در گفتار و کردار	۸۰/۵۵±٦/۲٤	۱۰۰-٦٥
	صداقت	۷۸/۵۰±۹/۲۸	۱۰۰-۵۵
	شجاعت	۷۷/٦۸±۹/۱٤	۹۰-۵۰
	رازداری	۸٤/۵۰±۷/۷٤	۱۰۰-٦٥
	انجام تعهدات فردی	۷۵/٤۸±۹/۲٤	۱۰۰-۵۵
	خودکنترلی و خودمحدودسازی	۷۰/٦٤±٦/۰۸	۱۰۰-٦٥
	خدمت	۸۳/۱۸±۸/۵۵	۱۰۰-۵۵
	مهربانی	۷۹/۵۹±۵/۸۸	۱۰۰-۵۰
	درک احساسات دیگران	۷۳/۳۳±٦/۲۹	۱۰۰-٦٥
	درک نیازهای روحی خود	۸۱/۹۵±۷/۳۹	۱۰۰-٦۰

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین متغیرهای وابسته و مستقل

عامل تغییرپذیری	تدریس اثربخش	هوش اخلاقی	سن	مرتبه علمی	جنس
تدریس اثربخش	۱				
هوش اخلاقی	۰/۷۸٤	۱			
سن	۰/۲۷٤**	۰/۲۰۸	۱		
تحصیلات	۰/۱۵۹	۰/۱۲۹	-/۲۲۱	۱	
جنس	-۰/۱۳٤	-۰/۱۷۱	۰/۱۳۳	-۰/۱۵۵	۱

P<0/05* **P<0/01

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، به بررسی تعیین رابطه بین سبک‌های تدریس و سطح هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی مازندران، پرداخته شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک‌های تدریس اعضای هیئت علمی و سطح هوش اخلاقی آنها، رابطه معناداری وجود داشته است.

در راستای بررسی پیشینه تجربی پژوهش حاضر، بررسی‌های انجام شده نشان داد که پژوهشی در خصوص بررسی رابطه بین سبک‌های تدریس استادان و سطح هوش اخلاقی آنان، در داخل و خارج از کشور انجام نشد، اما در عین حال یافته‌های مطالعات حدادی، قلتاش و صالحی(۲۸)، و Rama (۲۹) که ارتباط بین هوش اخلاقی مدرسان و عملکرد

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

حرفه ای آنها را مورد تایید قرار داده‌اند، با نتایج پژوهش حاضر همسو بوده است.

پژوهش حدادی، قلتاش و صالحی، که با هدف تعیین نقش هوش اخلاقی در اثربخشی عملکرد مدرسان انجام شد، نشان داد بین این متغیر همبستگی آماری مستقیم و معناداری وجود دارد(۲۸). Rama نیز در پژوهش خود نشان داده است که یکی از عوامل اثرگذار بر اثربخشی عملکرد مدرسان دانشگاه، هوش اخلاقی آن هاست(۲۹).

به طور کلی نتایج پژوهش بیانگر آن بودند که بین سبک‌های تدریس اعضای هیئت علمی و سطح هوش اخلاقی آنها، رابطه معناداری وجود داشته است. با نگاهی به یافته‌های پژوهش حاضر و همسویی آن با مطالعات ذکر شده، می توان چنین نتیجه گرفت که ابعاد هوش اخلاقی نظیر صداقت، مهربانی، حسن خلق، صبر و حوصله، صمیمیت و تواضع، می تواند با انتخاب سبک‌های تدریس مناسب توسط اعضای هیئت علمی، ارتباط داشته باشد. بنابراین، هوش اخلاقی اعضای هیأت علمی و پایبندی آنها به ارزش‌ها و اصول اخلاقی در فرایند یاددهی- یادگیری، یکی از مهم ترین عوامل در تدریس موفق و مؤثر آن ها به شمار می رود(۳۰ و ۳۱).

برخورداری از سطح بالای هوش اخلاقی و توجه به معیارهایی نظیر داشتن خلوص نیت، بخشش، شهامت، حسن خلق، فروتنی و رعایت اعتدال از معیارهای معلم خوب از نظر دین مبین اسلام نیز می‌باشند (۳۲). علاوه بر این، سازه‌های هوش اخلاقی نظیر درستکاری، مسؤولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش و نیز همدردی، هوشیاری، توجه و احترام، خودکنترلی، مهربانی و انصاف پیش از آن که توسط اندیشمندان معاصر مورد توجه قرار گیرند در منابع غنی و هدایتگر دین مبین اسلام از جمله در قرآن کریم، نهج البلاغه، تحف العقول، بحارالانوار، میزان الحکمه و غررالحکم مورد توجه و تأکید قرار گرفته اند(۳۳). لذا، برخورداری اعضای هیأت علمی از سطح مطلوب هوش اخلاقی علاوه بر ایجاد محیط اخلاقی مبتنی بر آموزه های اسلامی، می‌تواند بر طیف گسترده‌ای از دستاوردهای آموزشی و غیرآموزشی از جمله توسعه ذهنی و اخلاقی دانشجویان، رضایت مندی از آموزش و نیز یادگیری آن‌ها تأثیر مثبت داشته باشد. بنابراین اعضای هیئت علمی در صورت پایبندی به موارد اخلاقی در فرایند تدریس و برقراری روابط انسانی مناسب با دانشجویان، با ایجاد یک فضای یاددهی یادگیری اثربخش در هنگام تدریس، می توانند زمینه مشارکت فعالانه دانشجویان در مباحث کلاسی و رضایت آنها از تدریس را فراهم نمایند. با اتکا به نتایج پژوهش حاضر و با عنایت به این که یکی از اهداف اساسی تعلیم و تربیت، پرورش انسان های اخلاق مدار و پایبند به موازین اخلاقی است، توجه به عوامل موثر در تحقق هدف ذکر شده ضرورت می یابد که یکی از مهمترین عوامل در راستای تحقق این هدف همانطور که نتایج پژوهش حاضر نشان داد، رعایت مسائل مرتبط با اخلاق و روابط انسانی مطلوب توسط اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در فرایند تدریس و یادگیری می‌باشد.

محدودیت‌ها

موضوعی که در این پژوهش باید به آن توجه کرد، محدود بودن جامعه آماری به اعضای هیئت علمی

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

دانشگاه علوم پزشکی مازندران است، لذا در تعمیم نتایج پژوهش حاضر به سایر دانشگاه ها و رشته‌ها باید احتیاط کرد. یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش را می توان مقطعی بودن و استفاده از طرح همبستگی برای نشان دادن رابطه بین متغیرها دانست. از این رو جهت وضوح بیشتر رابطه های نشان داده شده بین متغیرها، احتیاج به مطالعات طولی است. نکته مهم دیگری که باید در این مطالعه به آن اشاره کرد استفاده از ابزار خود سنجی در ارتباط با هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی است، استفاده از ابزار خودسنجی می‌تواند نمره دهی آن را تحت تاثیر شخصیت افراد قرار دهد و نمرات با شخصیت افراد ارتباط داشته باشد که اشکال مهم آن، پایین بودن همبستگی بین آنچه فرد گزارش نموده و سطح هوش اخلاقی واقعی اوست(۳٤). در واقع نمره دهی توسط فردی که خودابرازی بالایی دارد مطمئنا نمره بالاتری به خود خواهد داد، بنابراین نمره پرسش نامه بالاتر و همبستگی نیز بالاتر خواهد بود. لذا لازم است بررسی سبک‌های تدریس اعضای هیئت علمی به طور همزمان توسط دانشجویان و پرسشنامه مربوط به هوش اخلاقی نیز در مطالعه ای دیگر به طور همزمان مورد بررسی قرار گیرد.

پیشنهادات

در مجموع با نظر به اینکه هوش اخلاقی نوعی توانایی اکتسابی بوده و قابل توسعه است، برنامه‌ریزان و رهبران نظام آموزش عالی به ویژه مسئولان دانشگاه‌های علوم پزشکی، باید با بهره‌گیری از دیدگاه های صاحب نظران و یافته های پژوهش ها، زمینه هایی را برای ارتقای سطح هوش اخلاقی اعضای هیئت علمی دانشگاه فراهم کنند که این امر جز با توجه و اهتمام برنامه ریزان، مدرسان و سایر مسؤولان محترم حیطه آموزش پزشکی، میسر نمی گردد.

سپاسگزاری

پژوهشگران بر خود لازم می دانند از کلیه اعضای هیئت علمی عزیزی که با بذل وقت ارزشمند خود در تکمیل پرسشنامه ها نهایت همکاری را از خود نشان دادند و ما را در انجام این پژوهش یاری کردند، صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری نمایند

References

1. Caillies S, Denhière G, Kintsch W. The effect of prior knowledge on understanding from text: Evidence from primed recognition. Eur J Cogn Psychol 2002; 14(2):267–86.
2. Bahrami M, Asami M, Fatehpanah A, Dehghani Tafti A, Ahmadi Tehrani G. Moral intelligence status of the faculty members and staff of the Shahid Sadoughi University of Medical Sciences of Yazd. IJME 2012; 5 (6):81-95. [In Persian].
3. Fotuhi Ghazvini F, Khazai, Z. Moral Evaluation of the virtual University. Quarterly J ethics Sci Technol 2009; (1&2):1-12. https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx? id=105110 [In Persian].
4. Golmohammadian M, Behrozi N, Yaseminejad P. Moral intelligence, its nature and essentiality. Medical Ethics Journal. 2015; 9(33), 121-140 [In Persian].
5. Beheshtifar M, Esmaili Z, Nekoie. Moghadam M. Effect of moral intelligence

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

on leadership. Eur JEcon Finan Admin Sci 2011; 43(1):6-11. [In Persian].
6. Siadat S, Kazemi I, Mokhtaripour M. Relationship between Moral Intelligence and the Team Leadership in Administrators from Faculty Members` Point of View at the Medical Sciences University of Isfahan 2008-2009. JHA 2009; 12(36):61-9. [In Persian].
7. Mokhtaaripou M, siadat A, shole amiri A. Study of the Relationship between Emotional Intelligence and Human Resources Management, Group Effective Leadership & Employment Progress.2010;13(52):41-56.http://jmsd.atu.ac.ir/article_4826.html [In Persian].
8. Eslamian H, Mirshah Jafari SE, Neyestani M. A comparative study of application measure of effective teaching components by faculty members of Isfahan University based on the results of "Students' evaluation" and " professors' Self-evaluation". Educ Strategy Med Sci. 2018; 11 (1):40-48. http://edcbmj.ir/article-1-1310-fa.html [In Persian].
9. Eslamian H, Jafari S. E. & Neyestani M. R. Investigating the effect of teaching aesthetic skills to faculty members on development of their effective teaching performance1. Journal of Teacher Education for Sustainability, 2018;19(2), 90-106.
10. Borba M.The step-by-step plan to building moral intelligence, nurturing Kids Heart & Souls, National Educator Award, National council of self-esteem. Jossey-Bass, 2005.ijbpas.com/ pdf/2015/October.
11. Boyle E.A, T Doffy. "Dunleavy. Learning Style and Academic_Outcome: The Validity and Utility of Vermunts Inventory of learning Style in a British higher- Education Setting", British Journal of Education Sychology 2003; 73, 267-290.
12. Harden RM, Crosby J. AMEE Guide No 20: The good teacher is more than a lecturer - the twelve roles of the teacher. Med Teach. 2000; 22(4): 334-47.
13. Anaya G, Cole D. Latino student achievement: exploring the influence of student and faculty interactions on college grades. JCollege StudentDevelop 2001; 42 (1): 3-5.
14. Pakseresht M.J. A Study of the Teaching Method at the University. Journal of Educational Sciences and Psychology.2004;11(3):155-174. https://www.sid.ir/fa/journal/ ViewPaper. aspx? id=11371.[In Persian].
15. Ashrafi S, Jahanseir K. The Impact of Inductiveand Analogical Teaching Methods on Students' Mathematic Scores in Islamic Azad University of Maragheh. Res Curriculum Planning 2011; 8(28-29):62-71. [In Persian].
16. Joise B. Teaching pattern 2004; translation by Behranghi, MR. Teharn: Kamale Tarbiyat; 2011.
17. Arreola AR. Developing a comprehensive faculty evaluation system. 2nd ed. University of Tennessee press: Anker publishing company; 2007.
18. Shaabani H. Educational skills. Tehran: Samt; 1996. [In Persian].
19. Grasha AF. Teaching with style. San Bernardino, CA: Alliance Publishers; 1996.
20. Eskandari F, Salehi M. Studing of the effect of comparison between teaching styles and learning on the performance of students; Economical research in agricultural development of Iran. 2011, 2(1)46-69. https://ijaedr.ut.ac.ir/article_20553.html [In Persian].
21. Najafi Kolyani M. Students Understanding of the efficient teaching in nursing. Nurs Res 2010; 5(19): 6-15. [In Persian].
22. Jafari P, Ghoorchiyan N, Behboodian J, Shahidi N. Developing a structural model for therelationship between faculty members selfefficacy and competencies with teaching quality in Islamic azad University. Research in curriculum planning 2012; 9(5):49-67. [In Persian].
23. Shikhzadeh M, Samari Sh. the study of Urmia Azad University Faclutie,s teaching style.quarterly J Educ Manag Res, 2010; 3: 70-94. [In Persian].
24. Ahmari Tehran H. The Effect of Integration of Role-Modeling and Narration Methods on the Midwifery Students' Performance in Professional Ethics. Iranian

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

J Med Educ 2012; 12(11): 826-35. [In Persian].
25. Rahimi H, Arbabisarjou S, Allameh M, Aghababaei R. Relationship between Knowledge Management Process and Creativity among Faculty Members in the University, Interdisciplinary Journal of Information, Knowledge, and Management 2011;(6): 17-33. [In Persian].
26. Dooriz R. Teaching style in the faculty – resident real ation ship; 2013(6): 895-900.citeseerx.ist. psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.557.5907&rep=rep1.
27. Dunnette J. Handbook of industrial and organizational Psychology.2nd ed. 2001; 100-50.
28. Hadadi Z, Gholtash A , Salehi M .Studying the Relationship between Moral Intelligence and Life Orientation with Effectiveness of Female Teachers. Journal of Women and Society. 2016;(7)4:127-142.
29. Rama Sh. Professor's performance for effective teaching (Kosovo case). Procedia Soc Behav Sci. 2011; 12: 117–21.
30. Yamazaki, Y. Learning styles and typologies of cultural differences: A theoretical and empirical comparison. International Journal of Intercultural Relations, 2005(29), 521-548.
31. Yuksel G. Critical thinking and learning/ teaching styles. Academic arastimalar, 2008(4):54-73.
32. Zapalska A, Brozik D. Learning Styles and Oline Education, Compus Wide Iinformation Systems"2006; 4(27):7-16.
33. Beheshtifar M, Esmaili Z, Nekoie.Moghadam M. Effect of moral intelligence on leadership. Eur J Econ Finan Admin Sci. 2011; 43: 1-7. [In Persian].
34. Grieve R. Do we need emotional intelligence tests for teachers? ; 2013. Available from: http://theconversation. com/ do-we-need-emotional-intelligence-tests-for-teachers-1285.

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]

The relationship between Moral intelligence and teaching styles of faculty members in University of Medical Sciences

Hassan Eslamian[1], Yahya Zare[2]

[1.] Department of Education, faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
ORCID ID: 0000-0002-1069-1947
[2.] Center for Psychological Services and Consultation, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

(Received 26 Dec, 2017 Accepted 30 July, 2018)

Original Article

Abstract

Introduction: University faculty members need to have a good moral intelligence in addition to having the ability to use technical skills of teaching. The aim of this study was to determine the relationship between ethical intelligence and teaching styles of faculty members in Mazandaran University of Medical Sciences during the academic year of 2017-18.

Methods: This was a descriptive-correlational study. The statistical population consisted of all the faculty members, of which 191 were selected as the statistical sample. The data was collected using Grasha and Richman teaching styles (1996) and Anic and Kiel's ethical intelligence (2011) questionnaires. It was analyzed by SPSS 20 software using frequency, percentage, mean, standard deviation, Pearson correlation and regression tests.

Results: The most important findings of the research showed that there is the highest relationship between moral intelligence and faculty teaching styles (r = 0.78), the significant level is P <0.05. Another finding of the research showed that the teachers' moral intelligence had a significant predictive power of their teaching styles (B = 0.82, P <0.001). Also, the results showed that the moral intelligence variable could predict 55% of the teaching styles (R2 = 0.55).

Conclusion: The results of this study indicate the role of overall faculty members' moral intelligence in the application of different teaching styles by them.

Keywords: Moral Intelligence, Teaching Styles, Faculty Members, University Of Medical Sciences.

Correspondence:
Hassan Eslamian, Department of Education, faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
ORCID ID:
0000-0002-1069-1947
Email:
Eslamian.1362@yahoo.com

Citation: Eslamian H, Zare Y. The study of the relationship between Moral intelligence and teaching styles of Faculty members in University of Medical Sciences. Journal of Development Strategies in Medical Education 2019;6(2):10-24.

[Downloaded from dsme.hums.ac.ir on 2026-11-10]

[DOI: 10.29252/dsme.6.2.10]